

«هاوار قاسمی» در گفت و گو با «دنیای هوادار»:
**هیچ دری با کوبیدن
بسته نخواهد ماند!**
توفیق اجباری شد تا سال ها
پشت درب های بسته سینما بمانم!
صفحه ۵

رسانه مستقل

روزنامه
دنیای هوادار
www.donyayehavadar.ir

شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۹ - قیمت: ۱۰۰۰ تومان

۴۷۲

«دنیای هوادار»
**بیستم اردیبهشت ولادت
«امام حسن مجتبی» (ع)**
راگرمی می دارد

هفت سال پس از بازنشستگی «سرآلکس فرگوسن»؛

مرثیه ای برای زمان

وقتی از رئیس آموختیم «فقط پیروزی را بپذیریم»



هفت سال پیش در چنین روزی، در سال ۲۰۱۳ که ترکیب دو عدد ۲۰ و ۱۳ (مجموع قهرمانی های منچستر و تعداد افتخارات سرآلکس فرگوسن در لیگ) بود، بازنشستگی خود را از دنیای مربیگری اعلام کرد.

پس از اعلام خبر بازنشستگی سرآلکس، جهان ورزش در شوک عجیبی فرو رفت؛ هجوم اخبار، این بار درباره جنگ، سیاست، کشتار و کشمکش های همیشگی نبود. این بار همه از خداحافظی «رئیس» می گفتند!

و این روزها، چشم انتظار درخشش تعویض همیشه طلایی اش «اوله گونار سولشایر» است تا بار دیگر یونایتدش را بر قله های افتخار ببیند.

... ادامه در صفحه ۸

سرمقاله

برای پاکسازی فوتبال از دلال؛
وزارت اطلاعات از ورزش
در سیما شروع کند!



وزیر ورزش هر چند خیلی دیر به فکر پاکسازی فوتبال افتاد، اما نامه نگاری او با وزیر اطلاعات دلالت بر این دارد که دستگاه ورزش بالاخره به این نتیجه رسید که وقتی پول بی حساب و کتاب و البته شهرت در

فوتبال وجود دارد، فساد امری بدیهی خواهد بود. در اینکه فساد نه فقط در فوتبال بلکه در بستر جامعه سازمان یافته شده (!) تردیدی در آن نیست، اما اینکه چگونه باید با آن مبارزه کرد؟ مشخصا پاسخ این پرسش ساده نخواهد بود.

حجت السلام علوی وزیر محترم اطلاعات خیلی خوب می داند که برای اجابت خواسته وزیر ورزش کار سختی پیش رو دارد و شاید لازم باشد از سربازان گمنام اطلاعات سپاه هم کمک بگیرند تا ریشه فساد را در فوتبال برای همیشه از بین ببرند.

اکنون که لیگ تعطیل شده بهترین زمان ممکن است و اتفاقا اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی هم بار دیگر به این مسئله ورود پیدا کرده که این موضوع می تواند فتح بابی باشد برای سالم سازی فوتبال.

به شرطی که در همین بدو دستگاه های مسئول از موازی کاری و فعالیت جزیره ای پرهیز کنند و یکپارچه و با وحدت رویه به ریشه یابی عوامل فساد مباردت کنند. یعنی حکایت دوتا آشپز نشود که آش یا شور شود یا بی نمک!

و حرف آخر اینکه ریشه های فساد صرفا در بین متولیان فوتبال و پیرامون قراردادهای با مربیان و بازیکنان خارجی و بلکه داخلی و یا نحوه مکانیزم انتخاب اسپانسر و مسائلی از این دست نبوده! ورزش در سیما و مجریان برنامه های ورزشی به همان میزان باید زیر ذره بین برود که بسیاری از خبرگزاری و سایت های ورزشی و حتی برخی جراید نیز در این زنجیره دخالت دارند که هر چند مسبقا به سابقه است اما به شدت رشد یافته است!

وزارت اطلاعات باید کنکاش را از مسابقات ۹۸ فرانسه به این طرف آغاز کند. فساد از آن دوران به ساختار فوتبال ما رخنه کرد.

و از سال ۲۰۰۶ ناپاک شد و حالا هم سازمان یافته شده است. گلوگاه فساد در فوتبال یکی دو تا نیست. در مدارس فوتبال هم ریشه کرده...



خبر اول

دوگشته و ۳۳ مصدوم بر اثر زلزله نسبتا شدید تهران

اسماعیل نجار با بیان اینکه از این تعداد به اضافه فرد جانباخته در مجموع ۱۹ نفر مربوط به منطقه دماوند و ۱۵ نفر نیز مربوط به تهران هستند، افزود: براساس آخرین آمار و اطلاعات موجود از تعداد ۱۵ نفر تهران تاکنون ۱۱ نفر به صورت سرپایی درمان شدند و چهار نفر مابقی هم اکنون در بیمارستان تحت درمان هستند.

وی با تاکید بر اینکه کاهش آسیب های جانی و مالی در چنین حوادثی تنها با جدی گرفتن موضوع پیشگیری در قالب ساخت و سازهای اصولی و فنی امکان پذیر خواهد بود، تصریح کرد: تا هر زمانی که این اصل به صورت دقیق و جدی اجرایی نشود، نباید منتظر کاهش آثار چنین حوادثی بود.

رئیس سازمان مدیریت بحران اظهار داشت: در اینگونه حوادث بیشترین ضرر و زیان جانی و مالی شامل کسانی خواهد شد که در زمان ساخت مکان های خود را بدون توجه به هشدارهای سازمان های مربوطه و به دور از چشم مسئولان امر اقدام به ساخت و سازهای غیرقانونی همانند ساخت ویلاهای مسکونی در حاشیه رودخانه ها می کنند.

نجار با بیان اینکه هم اکنون نیروهای امداد گر در مناطق مربوطه حضور دارند و اوضاع تحت کنترل است، گفت: با توجه به نظریه کارشناسان و تجارب به دست آمده از زلزله های مختلف کشور جای نگرانی خاصی وجود ندارد و مردم نگران نباشند.

این زمین لرزه در ۶ کیلومتری شهر دماوند، ۱۳ کیلومتری رودهن، ۱۶ کیلومتری بومهن، ۵۸ کیلومتری تهران و ۹۶ کیلومتری کرج رخ داد.

تاکنون گزارشی در خصوص خسارات احتمالی این زمین لرزه که در استان تهران از جمله کلانشهر تهران کاملا احساس شد، منتشر نشده است.

مردم در بسیاری از محلات تهران و سایر شهرهای استان پس از وقوع زلزله از خانه های خود خارج شده اند و تردد خودروها در سطح شهر تهران به نحو محسوسی افزایش یافته است.

رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر نیز در گفت و گویی اعلام کرد این زلزله ای در استان های البرز، قم، قزوین و بخش های از مازندران نیز احساس شده است. به گفته وی، پنج تیم ارزیاب به مناطق زلزله زده اعزام شده اند و تاکنون گزارشی از وقوع خسارت دریافت نشده است.

دوگشته و ۳۳ مصدوم رئیس سازمان مدیریت بحران گفت: بر اثر وقوع زلزله بامداد جمعه شب در منطقه دماوند و تهران و حاشیه برخی از شهرهای در مسیر گسل این زلزله، در مجموع دو نفر که یکی از آن ها پیرمرد ۶۰ ساله ای بود که بر اثر فرار از منزل و آسیب دیدن سر وی، جان خود را از دست داد و ۳۳ نفر نیز مصدوم و روانه بیمارستان شدند.



زمین لرزه ای در ساعت ۴۸ دقیقه بامداد روز جمعه به بزرگی ۵.۱ در مقیاس امواج درونی زمین (ریشتر)، در عمق ۷ کیلومتری زمین در حوالی دماوند به وقوع پیوست که شدت آن در کلانشهر تهران کاملا احساس شد.

به گزارش مرکز ژئوفیزیک دانشگاه تهران، این زمین لرزه در حوالی شهر دماوند و در عرض ۳۵.۷۸ و ۵۲.۰۵ شمالی به وقوع پیوست.

کرونا در ایران

بهبودیافتگان کرونا در کشور به ۸۳ هزار و ۸۳۷ نفر رسید

وی اظهار کرد: تاکنون ۵۵۸ هزار و ۸۹۹ آزمایش تشخیص کووید ۱۹ در کشور انجام شده است. سخنگوی ستاد مقابله با کرونا وزارت بهداشت بیان کرد: بیماریابی کرونا در کشور روز به روز در حال فعال تر شدن است. اگر امروز ۱۵۵۶ مورد جدید مبتلا به ویروس کرونا شناسایی شده، دو سوم آن مربوط به موارد سرپایی و افراد در تماس نزدیک با بیماران بود. موارد شناسایی شده جدید بیشتر از گذشته بوده و حتی افراد بدون علامت نیز امکان شناسایی و تست پیدا کردند.

مجموع بیماران کووید ۱۹ در کشور به ۱۰۴۶۹۱ نفر رسید. رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت بهداشت ادامه داد: متاسفانه در طول ۲۴ ساعت گذشته، ۵۵ بیمار مبتلا به کرونا جان خود را از دست دادند و مجموع جان باختگان این بیماری به ۶۵۴۱ نفر رسید.

جهانبور گفت: خوشبختانه تاکنون ۸۳۸۳۷ نفر از بیماران، بهبود یافته و ترخیص شده اند. همچنین ۲۷۱۱ نفر از بیماران مبتلا به کووید ۱۹ در وضعیت شدید این بیماری تحت مراقبت قرار دارند.

رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت بهداشت اعلام کرد: تاکنون ۱۰۴۶۹۱ نفر در کشور به طور قطعی به ویروس کرونا مبتلا شده و با فوت ۵۵ نفر در ۲۴ ساعت گذشته، جان باختگان کرونا در کشور به ۶۵۴۱ نفر رسید و خوشبختانه تاکنون ۸۳ هزار و ۸۳۷ نفر به طور کامل بهبود یافته و ترخیص شده اند.

کیانوش جهانپور روز گذشته درباره آخرین آمار مبتلایان قطعی به ویروس کرونا در کشور بیان کرد: از دیروز تا امروز ۱۹ اردیبهشت ماه و براساس معیارهای قطعی تشخیصی ۱۵۵۶ بیمار جدید مبتلا به کرونا در کشور شناسایی شد و

بین الملل

«محققان آلمانی» خبر دادند: کشف پادتن ضد کرونا



پژوهشگران این تیم می گویند، هدف از این تحقیقات، دستیابی به دارو و نه واکسن، برای درمان بیماران بدحال مبتلا به کروناست.

پروفیسور اشتفان دوپل از دانشگاه براون شویگ با اشاره به روش «ایمن سازی غیرفعال (پاسیو)» که این تحقیقات بر آن استوار است، می گوید: «در این روش» تأثیر بلافاصله خودش را نشان می دهد، به این ترتیب که پادتن ها پتانسیل ویروس را از او می گیرند.»

پژوهشگران شرکت کننده در این پروژه می گویند، جستجو به دنبال مناسب ترین پادتن ها برای دارویی که قرار است ساخته شود تا میانه ماه ژوئن (تیر) ادامه خواهد داشت. پس از یافتن این پادتن، پژوهشگران قصد دارند تأثیر حاصل پژوهش هایشان را روی قلب و کلیه بررسی کنند و زمینه را برای آزمایش های بالینی فراهم کنند.

توماس شیرمان از شرکت بیوتکنیک «بیوماب» که در این پروژه سهیم است، از هدف و امیدواری این تیم برای درمان نخستین بیماران مبتلا به کرونا در پاییز امسال سخن می گوید.

بیورن توملر، وزیر علوم ایالت نیدرزاکسن آلمان با قدرانی از تحقیقات این تیم گفته است که از موفقیت به دست آمده این مؤسسه تحقیقاتی در این ایالت بسیار

رسانه های آلمان گزارش دادند که پژوهشگران شهر «براون شویگ» در این کشور توانسته اند به پادتن هایی (آنتی بادی) برسند که می توانند مانع ویروس برای ورود به سلول های انسانی شوند.

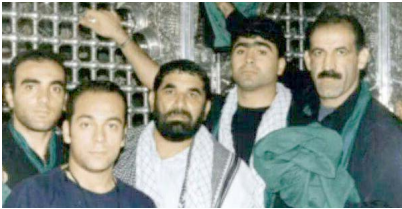
جستجو به دنبال دارو برای مقابله با ویروس جدید کرونا در جهان ادامه دارد. یک گروه پژوهشی از ایالت «نیدرزاکسن» آلمان از تست ۶۰۰۰ پادتن بر روی سلول های انسانی و پیشرفت چشمگیر در مسیر دستیابی به دارو برای درمان می گوید.

به گزارش وبگاه دوپچه وله آلمان، لوکا سی-سین-سن، ویروس شناس مرکز «هلمهولتس» در حوزه تحقیقات عفونی در شهر براون شویگ، در گفت و گو با یک روزنامه محلی، از «پیشرفتی شگرف» سخن گفت و اظهار داشت: «ما در مسیر درست تهیه دارو بر ضد کوید ۱۹ حرکت می کنیم.»

این پژوهشگر و تیم او شش هزار پادتن انسانی ساخته شده را تجزیه و تحلیل کرده اند و در میان آن ها، ۷۵۰ پادتن که توانایی اتصال (چسبیدن) به ویروس را دارند، استخراج کرده اند؛ برقراری اتصال، پیش شرط مبارزه موفقیت آمیز با عامل بیماری زاست. اکنون پژوهشگران در مرحله سنجش تأثیر پادتن ها با کشت سلولی هستند.

خوشحال است. تحقیقاتی که به گفته او نوید نتایج درمانی بهتر در راه مبارزه با کوید ۱۹ می دهند.

نوستالژی

سردار شهید ابوالفتحی همراه
تیم پاس در کربلا

پاس تهران بزرگ اولین باشگاه ایرانی پس از انقلاب است که برای بازی های باشگاه های آسیا به کربلا سفر کرد. سردار «یوسف رضا ابوالفتحی» مدیرعامل وقت باشگاه پاس و فرمانده تهران بزرگ در این سفر با بازیکنان بزرگ ملی در حرم امام رضا دیده می شود.

سردار شهید یوسف رضا ابوالفتحی فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ، کرمان و فارس سال ها درکنار فوتبال هم بودند که عضویت در هیات مدیره باشگاه استقلال در دهه ۶۰ و مدیرعاملی باشگاه پاس خاطره انگیز از جمله فعالیت های این شهید بزرگوار می باشد.

قرار بود مراسم بیستمین سالگرد شهادت سردار سرتیپ پاسدار یوسف رضا ابوالفتحی روز پنجشنبه مورخ ۸ اسفند ماه در محل بهشت زهرا س قطعه ۲۹ سرداران از ساعت ۱۰ الی ۱۱ با حضور فرماندهان، مسئولان کشوری و لشکری، ایثارگران، آحاد مردم عزیز و خانواده معظم شهدا برگزار شود که به دلیل همه گیر شدن ویروس کرونا این مراسم به زمان دیگری موکول شد.

دکتر علی ابوالفتحی پسر دوم سردار در این باره گفت: «پدرم عاشق باشگاه پاس بود و الان واقعا خانواده ما از بابت اتفاقاتی که برای پاس افتاد و نمی دانیم این تیم بزرگ اکنون کجا هست بسیا ناراحتیم و امیدوارم با همکاری بزرگان و پیشکسوتان بار دیگر پاس به تهران بازگردد و شاهد اوج گیری دوباره این باشگاه ریشه دار و قدیمی باشیم.»

اشک ها و لبخندها



لبخند و اشک های پسر زحمتکش و دلسوز ورزش ایران، جوانی که از طفولیت درس خواند، کار کرد، هزینه های زندگی را با وجود نوجوانی تامین کرد، پدرش رفت برای آسایش من و شما و مجروح و شهید شد، دامادشان هم به خیل شهدا پیوست و این نوجوان بدجور احساس مسولیت داشت. به دانشگاه رسید. لبخند شادمانی مادر از موفقیت فرزند بهترین هدیه ای بود که از مادر گرفت. در دانشگاه بیش از یک دانشجو فعال بود. گروه نمایش راه انداخت و در انجمن اسلامی و کتابخانه فعالیت می کرد و آن قدر تلاش کرد تا در ترم دوم به عنوان مسئول امور نمایشی دانشکده انتخاب شد. لیسانس گرفت و با همکلاسی اش ازدواج کرد. به تهران آمد و در دبیرخانه فدراسیون کبده به اندازه پنج نفر کار کرد. شد دبیر فدراسیون، تحصیلش را هم ادامه داد. حالا وقت ثمر دهی اش بود. یک سال به جاکارتا شد رئیس فدراسیون کبده. جوان ترین رئیس در سخت ترین شرایط. همه کارشناسان را دعوت به کار کرد و کبده در رقابت های جاکارتا برگ زرینی در تاریخ ورزش ایران برجای گذاشت. اولین بار دو رشته تیم زنان و مردان از یک فدراسیون طلای آسیا را گرفتند. نام «عباس اورسچی» که بیانش دشوار بود آن روز تیتراژ یک شد؛ او عباس اورسچی است...

پایتخت

«شهرداری تهران»:

تا سه روز در آماده باشیم

وی به شهروندان توصیه کرد که راه های اضطراری و خیابان های شهر را مسدود نکنند تا آمادگی احتمالی دچار مشکل نشود.

کریمی همچنین گفت: پایگاه های مدیریت بحران شهرداری فعال شده و تا ۳ روز آینده در آماده باش هستیم. این مقام مسئول به شهروندان توصیه کرد که در حین زلزله نقطه امنی پیدا کرده و از آسانسور استفاده نکنند.

رئیس ستاد بحران شهرداری تهران در پی وقوع زلزله بامداد جمعه پایتخت گفت: نیروهای ما تا ۳ روز آینده در آماده باش کامل قرار دارند.

رضا کریمی محمدی بامداد جمعه با اعلام این خبر افزود: با توجه به لرزه خیزی گسل مشا توصیه می کنیم که شهروندان اپلیکیشن شهر آماده را نصب و نکات آموزشی در خصوص زلزله را مطالعه کنند.



یادداشت

در باب «فقدان آموزش همگانی»:

زلزله ۵ ریشتری و تلفات؟



ای به میان آید که حادثه به وقوع پیوسته است. قطعا اگر از پارسال که دو بار زلزله در مناطق مرکزی و نزدیک به تهران آمد تا به امروز، تمهیداتی برای رفع هدمند و هوشمند اضطراب مردم و در عین حال آموزش پیرامون مقابله با شرایط زلزله به مردم داده می شد چه بسا امروز چنین آمار تلفاتی آن هم صرفا به واسطه عدم آموزش همگانی و اضطراب نداشتیم...

پی و گرانی و... که درگیر آن هست حتما باید از سوی مسئولان فرهنگی و اجتماعی کشور مورد توجه ویژه قرار بگیرد. چرا که اگر این رویه به درستی مدیریت نشود در صورت وقوع یک زلزله جدی با ریشتر بالا حتما درصد بالایی از مصدومان و تلفات جانی فقط به خاطر این اضطراب روانی از یک سو و عدم آموزش همگانی اصولی و پیوسته مردم، از سوی دیگر خواهد بود که واقعا برای کشور نه فقط یک فاجعه طبیعی که یک شرم مدیریتی خواهد بود. حتما باید ریشه یابی این مقدار اضطراب جامعه شهری در تهران در باب زلزله مورد بررسی قرار گیرد و ریشه های آن بدون حب و بغض های سیاسی و جناحی و آغستگی به اغراض اینچنینی واکاوی شود و تا آنجا که می شود به فوریت و در کوتاه مدت آن را مرتفع کرد، به آن پرداخته شود و در میان مدت و بلند مدت هم برای رفع مابقی مسائل برنامه ریزی کلان کرد. در باب آموزش همگانی که خود حتی می تواند از اضطراب همگانی بکاهد هم برنامه های مدونی در سطوح رسانه و هر جایی که می تواند دست اندرکار این قضیه باشد، حتما تدوین و به فوریت عملیاتی شود. کشور ما به واسطه بودن بر گسل های بسیار باید یک کشور هوشیار و توانا در امر مواجهه با زلزله و بلایای دیگر طبیعی باشد و مفهوم پدافند غیرعامل نباید فقط در زمانه



اینکه در تهران زلزله بیاید و بدون هیچ تخریبی ۲ کشته باقی بگذارد و کلی زخمی و مصدوم از آن حکایت های عجیبی است که باید با دقت بیشتری به آن پرداخت! یک نفر به خاطر ایست قلبی و یک نفر به خاطر ترومای ناشی از ضربه به سر در حین فرار جان خود را از دست می دهند و بیست و اندی دیگر هم به خاطر صدمات ناشی از تجمع در حین فرار از زلزله، مصدومیت های از جزئی تا جدی داشته اند. این نشان دهنده برخی مسائل است که موضوع زلزله در تهران را واجد بررسی های عمیق تری می کند؛ چرا که در کمتر جایی در دنیا برای یک زلزله ۵ ریشتری این تعداد مصدوم و فوت شده به بار می آید. ریشه های روانی این مبحث و مباحث آموزشی پیرامون زلزله به خصوص در شرایط حساسی که امروز کشور به واسطه تحریم ها و کرونا و زلزله های پی در

میراث فرهنگی

در پی زلزله شب گذشته:

کاخ صاحب قرانیه نیاوران آسیب دید



در عمق ۷ کیلومتری زمین در حوالی دماوند به وقوع پیوست شدت آن در کلانشهر تهران کاملا احساس شد. کاخ صاحبقرانیه به دستور ناصرالدین شاه قاجار بنیان شد. بعدها با فقدان سلسله قاجار و براندازی آن توسط پهلوی اول، این مکان محل به عنوان دفتر کار پهلوی دوم مورد

معاون وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی از آسیب جزئی برخی از دیوار کاخ صاحبقرانیه نیاوران خبر داد و افزود: منتظر اعلام نظر کارشناسان درباره دیگر موزه های تهران پس از زلزله امروز تهران هستیم. به گزارش «دنیای هوادار» به نقل از ایرنا، محمد حسن طالبیان عصر دیروز با اعلام این خبر گفت: تا این لحظه بر اساس گزارش های رسیده تنها دیوارهای کاخ صاحبقرانیه نیاوران دچار ترک شدند که البته باید کارشناسان اظهار نظرهای بیشتری کنند تا میزان خسارات ناشی از زلزله به بناهای تاریخی تهران مشخص شود. وی افزود: البته هنوز خبری از خسارات ناشی از زلزله از موزه هایی که در آن پلمب است گزارش نشده و ما همچنان منتظر گزارش های نهایی از سوی کارشناسان هستیم.

پیش از این مدیران مجموعه های کاخ گلستان و موزه ملی ایران خبر مبنی بر سلامت این کاخ ها اعلام کردند. این زمین لرزه که در ساعت ۴:۸ دقیقه بامداد روز جمعه به بزرگی ۵.۱ در مقیاس امواج درونی زمین (ریشتر)،

«رضا عطاران» ۵۲ ساله شد؛

کمدینِ روشنفکر



محمدحسین سفی

نویسنده و روزنامه نگار

اواخر دهه ۹۰ خورشیدی هستیم. دهه ای که از گوشه کنار فرهنگ و هنر «کمبود» می بارد. موسیقی اش خالی از «فرهاد» بود، سینمایش «کیارستمی» را کم داشت و ادبیاتش رنگ «بیضایی» را ندید. اما کمبودی که در شاخه ای از هنرهای نمایشی یعنی سریال سازی به شدت احساس می شد، با سایر حوزه ها تفاوت های آشکاری داشت و البته هنوز هم دارد. «رضا عطاران» تنها بازمانده قهر و آشتی های صدا و سیما با هنرمندان است که هنوز رنگ آشتی دوباره را به تلویزیون نشان نداده است. «مهران مدیری» رفت و بازگشت، «برادران قاسمخانی» دورادور هنوز کار می کنند، «عادل فردوسی پور» فوتبال ۱۲۰ را روی آنتن زده می برد و... اما هرگز دیگر خبری از «رضا عطاران» نشد که نشد روی تصویر قاب جادویی. می گویند در همه نقش ها یکسان است؛ «خودش» است و طنزش کلیشه ای شده؛ اما کدام جنبه ای می تواند منکر صافی و صداقت تمامی اجراهایش در مقام بازیگر و محبوبیت انکارناپذیرش شود؟ مگر چند بازیگر در سینما پیدا می شود که اینچنین مایه خوشبختی هر تهیه کننده ای باشد؟

صدا و سیما سالانه میلیاردها میلیارد صرف ساختن سریال های جدید تلویزیونی می کند. برای همین ماه رمضان سریال های مشخصا پر هزینه ای مانند «زیرخاکی» و «سرباز» ساخته شده است. اما نکته کنایه آمیز و گروتسک ماجرا جایی است که آمارهای مخاطبان، بازیخس «متهم گریخت» از شبکه آی فیلم را در صد جدول جذب مخاطب در این ماه رمضان نشانده است! سریالی که در طول این دهه دوازده سال دست کم ده بار دیگر هم بازیخسش روی آنتن صدا و سیما رفته اما کماکان جور صدا و سیما را یک تنه می کشد. آن هم در شرایطی که «زیرخاکی» به عنوان پیشتاز سریال های تازه ساخته شده، تنها ۴ درصد مخاطب داشته که تازه این آمار متعلق به آمار رسمی سازمان است که خود به اندازه کافی گویای وضعیت فاجعه بار این سازمان عریض

صدا و سیما سالانه میلیاردها میلیارد صرف ساختن سریال های جدید تلویزیونی می کند. برای همین ماه رمضان سریال های مشخصا پر هزینه ای مانند «زیرخاکی» و «سرباز» ساخته شده است. اما نکته کنایه آمیز و گروتسک ماجرا جایی است که آمارهای مخاطبان، بازیخس «متهم گریخت» از شبکه آی فیلم را در صد جدول جذب مخاطب در این ماه رمضان نشانده است!



روشنفکر چه کسی است؟ احتمالا «متهم گریخت» را این شب ها از تلویزیون می ببینید و «بزنگاه» را از آثار تلویزیونی اش و همینطور «ردکارپت» و «دراکولا» را از فیلم های سینمایی او در این سال ها. در تمام این آثار، عطاران به خوبی به وسیله کاراکترهایش، مردم را با خودش همراه می کند تا ایرادهایشان را به آن ها گوشزد کند تا بیش از این نقطه ضعف به دولت ها نشان ندهند!

و طویل در بحث مهمی چون «جذب مخاطب» است! «رضا عطاران»، پس از اتفاقاتی که در زمان تولید و پخش «بزنگاه» از تلویزیون گریبان گیرش شد و تیغ سانسور امانش را برید، دیگر شرایط را برای ادامه کار در تلویزیون مهیا ندید. احتمالا چندین بار با پیشنهادات خوبی از صدا و سیما مواجه شده اما هیچ گاه زیر حرفش نروده (هرچند که خودش چندین بار گفته اختلافی نیست و اگر فرصتی مناسب پیش بیاید کاری در این سازمان انجام خواهد داد). اما فراموش نکنیم که شاید تا وقتی وضعیت این چنین باشد، هیچ گاه دیگر رضا عطاران را در قاب جادویی نبینیم و نام او را در میان فیلم های سینمایی کمدی جستجو کنیم. فیلم هایی که همه شان هم کیفیت سریال های عطاران را ندارند و بعضا فیلم هایی مانند «من سالوادور نیستم» به هیچ وجه آثار قابل قبولی در کارنامه او به حساب نمی آیند، اما باز هم عطاران محبوبیتش را همواره حفظ کرده؛ تا جایی که فیلمی مانند «هزارپا» آن چنان می فروشد که تمام رکوردهای فروش را تا برهه ای دست نیافتنی تر از تصور نشان می دهد.

اما یک نکته پر از پرسشی در این میان وجود دارد. اینکه «چرا» و «چگونه» پس از گذشت این همه سال و این حجم از ریخت و پاش از سوی سازمانی که هزینه هایش مستقیما از «بیت المال» تامین می شود، نتوانسته اند «آس» دیگری چون عطاران یا مدیری و... رو کنند؟ فقط به «انحصار» بر می گردد؟ نه بعید می دانم! یا اصلا عطاران هیچ یک «خانه به دوش» که آغازگر مسیر جدیدی در روند سریال سازی کمدی باشد که به زندگی واقعی نزدیک شود (نتورثالیسم).

آدم های سریالی را از قشر فرودست اجتماع انتخاب کند تا تسلط بیشتری بر زیر و بم زندگی شان داشته باشد و خالقش از «مردم» بگیرد و برای همان ها بسازد؟! عطاران با کوچ اش از تلویزیون به سینما علاوه بر بازیگری، پشت دوربین فیلم هایی همچون «ردکارپت»، «خوابم میاد» و «دراکولا» نشست و در اینکه هرگز نتوانست موفقیت آثاری همچون «متهم گریخت»، «بزنگاه»، «خانه به دوش» و «ترش و شیرین» را تکرار کند هیچ شکی نیست. اما مجموعه کارهای رضا عطاران چه در تلویزیون و چه در سینما و فعالیت های خارج از قاب او، نام رضا عطاران را در جرگه معدود سینماگران «روشنفکر» حال حاضر ایران قرار می دهد.

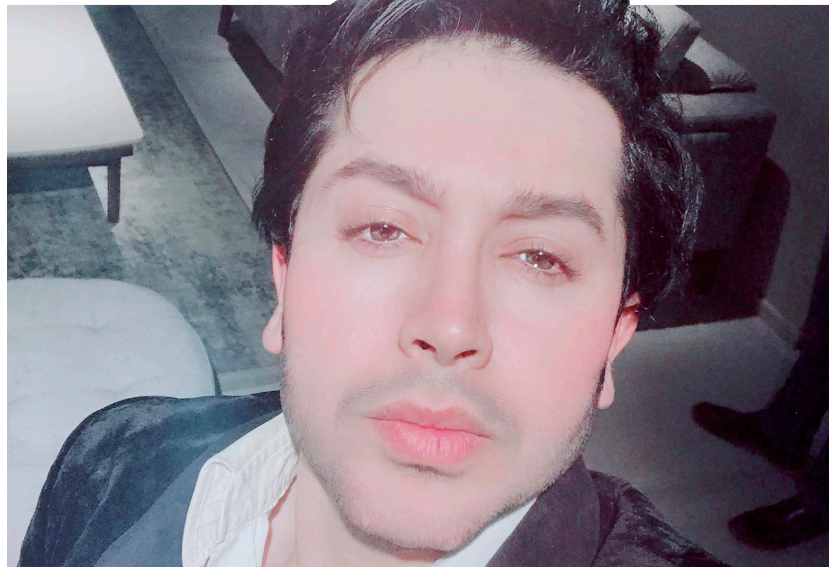
شاید خطاب روشنفکر به کمدینی مانند رضا عطاران کمی برای مخاطبان عجیب به نظر برسد، اما مگر

گفت و گو

«هاوار قاسمی» در گفت و گو با «دنیای هوادار»:

هیچ دری با کوبیدن بسته نخواهد ماند!

توفیق اجباری شد تا سال‌ها پشت درب‌های بسته سینما بمانم!

مهدی تیموری
سردبیر

«فهرست سیندلر» را شامل می‌شود. ولی خب مثلا هرگز با فیلم‌های هیچکاک ارتباط برقرار نکردم و فقط به خاطر دانش اندوزی آثارش را تماشا کردم که البته دستور زبان سینماست اما سلیقه من نیست. در میان بازیگران داخلی هم زنده یادان «مهدی فتاحی»، «پرویز فنی زاده» و «احمد آقاولو» را دوست داشتم و به نظرم در حقیقت کم لطفی شد و سینمای ایران از آن‌ها به خوبی بهره نبرد. بازیگرهای جدید هم کاراکتر «شهاب حسینی» را دوست دارم و استایل «محمد رضا گلزار» و بازی «نوید محمد زاده» جنس بازی‌های «ترانه علیدوستی»، «سوسن تسلیمی» را هم می‌پسندم و در میان بازیگران خارجی هم «مریل استریپ» و «مارلون براندو»، «آل پاچینو»، «لارنس الیور» و «دنیل دی لوئیس» و...»

دنیای هوادار کشف تازه‌ای نیست؛ اما تا به حال سعی کردی از بازیگر خاصی الگوبرداری کنی یا معتقدی باید تمام و کمال بکر و تازه باشی؟

در مورد الگو برداری هم همواره سعی کرده‌ام یا استفاده از تجربه دیگران کاراکتر مستقی از خودم داشته باشم؛ چون اگر از کسی الگوبرداری کنی در بهترین حالت می‌شوی نسخه درجه دوم آن بازیگر و یک بازیگر اصلش را در سینما داریم و کسی سراغ نسخه درجه دو آن بازیگر نمی‌رود.

دنیای هوادار برایم جالب است که از طرفی به استایل بازی «شهاب حسینی» و زنده یاد «پرویز فنی زاده» و... اشاره می‌کنی و در کنار این‌ها نام گلزار را هم می‌آوری؛ عجیب نیست؟

در مورد گلزار لازم است یک چیزی را بیان کنم. همیشه دوست دارم آن چیزی رو که دوست دارم به دور از زست روشنفکری بیان کنم و همیشه به دوستانم می‌گویم اگر مثلا تلتو دوس داری بگو و در خلوت تلتو گوش نکن و در جمع شجریان را خواننده مورد علاقه ت عنوان کن! جرات کنیدی زشت باشی، جرات کنیدی راست و حقیقی باشی. اگر موسیقی بد دوست دارید عنوان کنید و رک و روراست بگویید. خود همان که هستی را نشان بدهید؛ باور کنید زیباتر است. به نظر من محمد رضا گلزار تنها بازیگری است که شمایل فیزیکی و توانایی تبدیل شدن به «سوپرستار» را دارد؛ گرچه به «بازیگری» او علاقه ندارم اما همینکه نزدیک به دو دهه خود را حفظ کرده گویای هوش بالای او است.

دنیای هوادار سخن پایانی؟

روی آخر صحبت‌هایم با تهیه‌کننده و کارگردانانی است که دائم از فضای انحصاری بازیگرها و دستمزدها ناله می‌کنند اما حاضر نمی‌شوند بازیگر توانمند و تحصیلکرده این عرصه که سال‌ها پشت در بسته سینما هستند را وارد پروژه‌هایشان کنند که این انحصار شکسته شود. یا دنبال اسپانسر بازیگر هستند و یا صرفا چهره شناخته شده باشند؛ به شکلی که هنوز بازیگرهای میانسال چهل پنجاه ساله ما نقش جوان بیست ساله بازی می‌کنند! لازم است که به حرف‌های قشنگی که می‌نویسم عمل کنیم و فقط نقش‌های کم اهمیت را به آن‌ها محول نکنیم و فقط پس از چهره شدن این ریسک را بپذیریم که به آن‌ها اعتماد کنیم. این دیگر لطفی ندارد و در حال حاضر شاهد بازی‌های درخشان برخی بازیگرهای ناشناخته هستیم که حتی اسم و عکس آن‌ها را بر روی پوست نیست و برای ستاره‌سازی لازم است کمی آن‌ها را هم لاسه و بولد کنیم. جا دارد در آخر از همه کسانی که قدمی برای بنده و دیگر جوانان زحمت کشیده برداشته‌اند تشکر کنم. من معتقدم که بالاخره هر دری را بسیار بکوبی باز خواهد شد و دیده شدن و نادیده گرفتن در اذهان ثبت خواهد شد.

فیلم نداری؟ یا اصلا در حوزه‌های دیگر هنر ایده‌هایی نداری؟ واقعیت این است که در حاضر دغدغه کارگردانی ندارم اما هیچ چیز مطلق نیست. شاید در آینده بدم نیاید اما همیشه ترجیح من بر این بوده که در یک حرفه صد باشم تا در چند حرفه پنجاه و شصت و چهل... اما اتفاقا احساس می‌کنم آگه فیلمساز بشوم فیلمساز بدی نخواهم شد. ولی هنر دیگه واقعیت از فرنیس کردن منازل و طراحی کلا لذت می‌برم.

دنیای هوادار نظرت در مورد فضای فیلم کوتاه در کشور ما چیه؟ آیا آطور که شایسته است بدان توجه می‌شود؟

فیلم کوتاه هم خودم زیاد کار کردم حتی برای یک فیلم کوتاه دو دقیقه‌ای موها و ابروهایم را تراشیدم. در حال حاضر نسبت به قبل قطعاً شرایط بهتر شده و تعدد جشنواره فیلم کوتاه را شاهدیم که هم می‌تواند آسیب زنده باشد و هم فرصت... البته که در جهان هم بیش از سه هزار جشنواره داریم و جوایز سنگین و معتبری هم داراست؛ اما اگر منظورشان در جهت موفقیت بازیگر است باید بگویم خیلی خیلی کم است و اگر پله‌ای برای موفقیت باشد قطعاً فقط برای کارگردان اثر رزومه خوبی است.

دنیای هوادار گزیده کاری (به شرط کیفیت بالا) جایگاه مهم تری برای تو دارد یا دیدن شدن به هر قیمتی؟

واقعیت اینه که من فعلا «انتخاب کننده» نیستم و «انتخاب شونده» هستم اما اگر خدا بخواهد و حق انتخاب بیشتری داشته باشم حتماً گزیده کار خواهم بود اما این به این معنی نیست که خودم را مانند «نوید محمدزاده» در یک ژانر محدود کنم و اساساً دوست دارم در شرایط متفاوت خود را قرار دهم اما کاری که اگر کم‌دی هم باشد و گدایی خنده نکند و فیلم استخوان داری باشد قطعاً بازی خواهم کرد.

دنیای هوادار از سلیقه ات در عالم هنر بیشتر برایمان بگو؛ فیلمساز، فیلم، بازیگران و...

حقیقتاً فیلمسازهایی داخلی که دوست دارم با آن‌ها کار کنم کم نیستند. حالا چه از نسل گذشته چه نسل جدید. اما در بین فیلمسازان خارجی «کونتین تارانتینو»، «کلینت ایستوود» و «جان فورد» را خیلی دوست دارم و فیلم‌های مورد علاقه‌ام لیست بلند بالایی است که از «دزد دوچرخه» تا

و خوشبختانه شروع با استادی بود که دیدم من نسبت به سینما و هنر را تغییر داد و همزمان در دانشگاه هم به طور موازی هر چه بیشتر آموختم فهمیدم چقدر کمتر می‌دانم و تا چه میزان سطحی فکر می‌کردم. جالبه بدانید من برای اینکه در موسسه استاد سمندریان ثبت نام کنم به دلیل اینکه سنم کم بود پذیرفته نشدم و کلی گریه هم کردم (خنده) و مادرم و خواهرم این قدر زنگ زن تا بالاخره پذیرفتند که من راثبت نام کنند.

دنیای هوادار در حال حاضر مشغول فعالیت در چه آثاری هستی؟

دو قرارداد دارم که در مقدمات پیش تولید به علت پاندمی کرونا فعلاً متوقف شده که انشالله به زودی از سر گرفته خواهد شد و کار اکران نشده هم که «منشی مخصوص من» پس از شش سال قرار است اکران آنلاین شود اما ای کاش همان موقع می‌شد و قطعاً برای من که تقریباً نقش اصلی آن کار را به طور موازی با «حسام نواب صفوی» داشتم اتفاق بهتری بود که زودتر روی غلطک می‌افتادم. در فیلم «سافر» هم نقش یک آن بودم که به همان دلیلی که گفتیم در کمند ماند! هرکسی که به دنبال بازیگری است می‌داند چقدر سخت به دست آوردن این نقش‌ها؛ اما شاید توفیق اجباری شد سال‌ها پشت درب‌های بسته سینما بمانم و تجربه کسب کنم و به قول دوستان پیشکسوت «جوان شوم» (می‌خندد) آخر من خیلی زود شروع به کار کردم...

دنیای هوادار در ابتدا صرفاً «شهرت» چیزی تا سینما برایت جذاب به نظر بیاید؟

ببین واقعیت هدفم این است که هیچوقت زست اتلکت نگیرم. اوایل خیلی برایم مهم نبود یک فوتبالیست و یا خواننده و یا بازیگر بشم. اما هر چه بیشتر تحصیل کردم و بیشتر تجربه کسب کردم و از همان اوایل وقتی اندک استعدادی هم داشته باشی و مورد تشویق اساتید و هم کلاسی‌های خود قرار بگیری قضیه برایت جدی‌تر می‌شود و پختگی جای هیجان‌ات خام اولیه را می‌گیرد و روز به روز سعی میکنی بهترین خودت باشی و رفته رفته اینقدر عاشق حرفه‌ات می‌شوی که حاضر نیستی به هیچ عنوان آن را با چیز دیگری عوض کنی.

دنیای هوادار فقط به بازیگری فکر می‌کنی و دغدغه ساخت

«هاوار قاسمی» بازیگر جوانی که فارغ التحصیل رشته بازیگری است و دوره‌های خصوصی بازیگری را نزد استادانش زنده نام «حمید سمندریان»، «مسعود کیمیایی» (کارگاه آزاد فیلم) و موسسه کارنامه نزد «عباس کیارستمی»، «ناصر تقوایی» و «اصغر فرهادی» و همچنین «پرویز برید» مدرس دانشگاه فرانکفورت، «محمد یعقوبی»، «فرزاد مومتن»، «میکائیل شهرستانی»، «حسین کیانی» و «پهروز افخمی» و بسیاری دیگر... گذارنده و در ایتالیا هم دوره‌های فرم و بدن نزد خانم «رایس» که در استودیو آکتورز تدریس می‌کردند گذارنده. در تئاتر و فیلم‌های کوتاه بسیاری هم حاضر شده و نخستین حضورش در سینما مربوط به نقش اول فیلم سینمای «سافر» بوده که تا به امروز متأسفانه به خاطر مشکلات مالی میان تهیه‌کننده و کارگردان به نمایش در نیامده و پس از آن فیلم «منشی مخصوص من» است که به زودی پس از سال‌ها توقیف، اکران آنلاین خواهد شد و بعد از آن نقش‌های کوتاه تری در فیلم‌های «شاخ گرگن» ساخته «محسن محسنی نسب»، «پاتو کفش من نکن» (محمدحسین فرح بخش)، «دشمن زن» (کریم امینی) و نهایتاً «ایکس لارج» (محسن تولکی) بازی کرده و به همین جهت گفت و گوی نسبتاً مفصلی با او داشته‌ایم و با اهداف آینده و جهان بینی و نظراتش بیشتر آشنا شدیم که خواندن آن خالی از لطف نخواهد بود:

دنیای هوادار مهم‌ترین هدف تو از فعالیت در سینما چیست و اساساً سقف آرزوهایت کجاست؟

همانطور که می‌دانید هدف‌های اصلی ما همیشه در زندگی یکی است اما تغییر حالت می‌دهند و به نوعی آپدیت می‌شوند. من هم شاید در دورانی نوجوانی که وارد این عرصه شدم فقط هدفم این بود به شهرت برسم و ابایی ندارم از آن که این را اعتراف کنم و افرادی برایم حالا اگر نگوییم الگو اما جذاب بودن که اکنون فرسنگ‌ها از آن‌ها دورم

روی آخر صحبت‌هایم با تهیه‌کننده و کارگردانانی است که دائم از فضای انحصاری بازیگرها و دستمزدها ناله می‌کنند اما حاضر نمی‌شوند بازیگر توانمند و تحصیلکرده این عرصه که سال‌ها پشت در بسته سینما هستند را وارد پروژه‌هایشان کنند که این انحصار شکسته شود. یا دنبال اسپانسر بازیگر هستند و یا صرفاً چهره شناخته شده باشد؛ به شکلی که هنوز بازیگرهای میانسال چهل پنجاه ساله ما نقش جوان بیست ساله بازی می‌کنند!

مدیریت شهری

میزان تولید آسفالت شهرداری کرج باید به ۳۰۰ هزار تن برسد



به گفته شهردار کرج؛ علی اصغر کمالی زاده، میزان تولید آسفالت در سال ۹۹ باید به ۳۰۰ هزار تن برسد. به گزارش «دنیای هوادار»، کمالی زاده در بازدید از کارخانه آسفالت شهرداری کرج با اشاره به عملکرد و روند فعالیت کارخانه آسفالت و همچنین بررسی نحوه و میزان تولید آسفالت در سال ۹۸ گفت: میزان تولید کارخانه آسفالت شهرداری کرج باید با به کارگیری تمام ظرفیت ها و توان اجرایی در پایان سال ۹۹ به ۳۰۰ هزار تن برسد. او با تاکید بر اینکه بازیافت تراشه های آسفالت در کاهش

هزینه های حمل و نگهداری و همچنین کاهش آلودگی هوا نقش بسزایی دارد تصریح کرد: میزان تولید آسفالت بازیافتی در سال ۹۹ باید افزایش پیدا کند و در روکش آسفالت معابر مناطق دهگانه شهرداری کرج مورد استفاده قرار گیرد. شهردار کرج در ادامه با حضور در محل سوله های مدیریت بحران منطقه ۱۰ شهرداری کرج از روند پیشرفت فیزیکی سوله ها و اقدامات انجام شده بازدید و تاکید کرد: انتظار می رود با به کارگیری حداکثر توان اجرایی سازمان عمران این پروژه در آینده نزدیک به بهره برداری برسد.

کلانشهرها برای مقابله با کرونا چه کنند؟



شهرهای بزرگ جهان برای مدیریت و مقابله با ویروس کرونا تجربیات مشابهی داشتند که یکی از آنها تعطیلی اماکن پررفت و آمدی مانند بوستان ها و جلوگیری از تجمعات بیش از دو نفر در معابر است.

به گزارش «دنیای هوادار»، از زمانی که فراگیری ویروس کرونا در تهران رسمی اعلام شد تا امروز اقدامات متفاوتی برای اداره شهر از سوی مدیریت شهری تجربه شده است. اگر در روزهای ابتدایی تمام سطح شهر و معابر پررفت و آمد ضدعفونی می شد این روزها تاکید بر ضدعفونی کردن اماکنی مانند ایستگاه های اتوبوس و مترو است. اگر در روزهای ابتدایی واگن ها و اتوبوس ها هر شب ضدعفونی می شدند، این روزها در ابتدا و انتهای هر ایستگاه ضدعفونی می شوند و به تدریج و با استفاده از تجربیات شهرهای بزرگ جهان و کلانشهرهای ایران مقابله با ویروس کرونا مؤثرتر می شود هر چند که هنوز تهران یکی از مناطق آلوده کشور است و به دلیل بازگشایی مشاغل و جمعیتی که روزانه در سطح شهر تردد می کنند، «آمارهای چندان آمارهای با آمارهای کشوری همخوانی ندارد» (سخنان زالی فرمانده ستاد مقابله با کرونا تهران)

در پژوهش های صورت گرفته در خصوص ویروس کرونا، در بخش مدیریت پسماند این پژوهش اشاره شده مقادیر زباله های جامد شهری که توسط خانوارها تولید می شود به طور قابل توجهی افزایش و ضایعاتی که توسط تولیدکنندگان و بخش خصوصی تولید می شود کاهش یافته است. برای جلوگیری از زباله گردی و احتمال آلوده شدن افراد بیشتر لازم است در این دوران تحویل زباله در ساعت مشخص از درب منزل صورت گیرد و تاکید شود که زباله های تر و خشک از هم تفکیک شود.

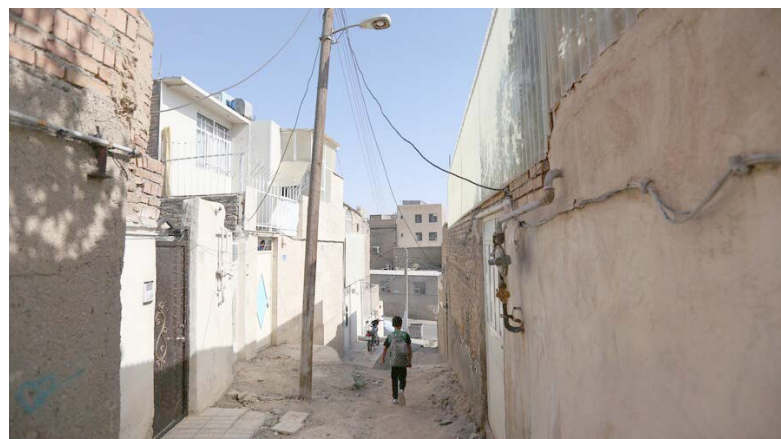
در اتریش کارگرانی که مسئولیت تمیز کردن خیابان ها را بر عهده دارند در شرایط اپیدمی در کنار کارگران جمع آوری زباله این وظیفه را بر عهده می گیرند بنابراین تعداد کارگران افزایش می یابد و کارگرانی که دارای نقص ایمنی هستند باید شناسایی و مانند سایر مردم در منزل بمانند. همچنین برای خانوارهای دارای افراد تست ویروس مثبت یا مشکوک به عفونت کیسه های زباله ریجکتی را با کیسه زباله دوم رایگان دو برابر کنید.

در آلمان نیز از شهروندان درخواست شده تا از سرریز مخازن زباله ها خودداری کنند. جلوگیری از تولید زباله و جداسازی مناسب در آلمان از اهمیت ویژه ای برخوردار است و استثنا

گزارش

۵۴۳ شهر ایران دارای بافت فرسوده؛

چرا بافت فرسوده برای سرمایه گذاران جذاب نیست؟



۳۰ درصد جمعیت کل کشور در بافت فرسوده

حدود ۳۰ درصد از جمعیت کل کشور در این بافت ها زندگی می کنند. مطابق با آخرین آمارهای رسمی اعلام شده از سوی مرکز آمار ایران هم اکنون جمعیت ایران ۸۳ میلیون نفر است. از این تعداد ۳۰ درصد جمعیت یعنی حدود ۲۴ میلیون نفر در بافت های فرسوده و ناکارآمد و فاقد ایمنی و تاب آوری کافی زندگی می کنند.

از آنجا که عمده این بافت ها در دل شهرها قرار دارند و در واقع بافت های فرسوده و قدیمی واقع در هسته درونی شهرها محسوب می شوند که تمام امکانات زیربنایی همچون انشعابات شهری (آب، برق، گاز و...) برای آنها تامین شده است این بافت ها محدوددهایی هستند که در صورت تحقق برنامه ریزی های انجام شده در قانون برای نوسازی آنها نه تنها سطح زندگی ساکنان آن ارتقا خواهد یافت بلکه یکی از اصلی ترین برنامه ها، سیاست ها و دغدغه های دولت یعنی ساخت مسکن ارزان قیمت برای طبقات متوسط رو به پایین جامعه نیز محقق خواهد شد.

سهم نوسازی مسکن در بافت فرسوده از کل ساخت و سازهای کشور در حالی که به میزان نسبتاً محسوسی کاهش یافته که اتفاقاً این موضوع در سال های اخیر به خصوص از سال ۹۶ به بعد به عنوان یکی از اصلی ترین دغدغه های دولت و شخص ریاست جمهوری مطرح شد. در سال های اخیر متولیان بخش مسکن و مقامات عالی دولت بارها با تاکید اعلام کردند که اولویت سیاست گذاری ها در بخش مسکن نوسازی بافت و واحدهای مسکونی فرسوده است و هر نوع رونق ساخت و ساز و معاملات مسکن باید از بافت فرسوده آغاز شود و بافت فرسوده به عنوان کانون ساخت و سازها و عرضه مسکن معرفی شود. اما در عمل سهم نوسازی بافت های فرسوده و ساخت مسکن در این محدوده ها از کل ساخت و سازهای مسکونی در کشور کاهش یافته.

از آنجا که بخش عمده متقاضیان خرید مسکن متقاضیان مختص دهک های متوسط رو به بالا هستند، سهم تقاضا برای خرید مسکن نیز در بافت های فرسوده از سوی طبقات متوسط رو به پایین درآمدی کمتر است. در واقع تعداد کمتری از متقاضیان حاضر در بازار مسکن به سمت بافت های فرسوده برای خرید مسکن می روند.

ظاهر بافت های فرسوده برای سرمایه گذاران ساختمانی که سال ها در محدوده های شهری غیرفرسوده اقدام به ساخت و ساز کرده اند جذاب به نظر نمی رسد و تعداد قابل توجهی از سرمایه گذاران ساختمانی تمایلی به حضور در بافت فرسوده برای انجام فعالیت های ساختمانی و ساخت و ساز ندارند.

به گزارش «دنیای هوادار»، عملکرد دولت در حوزه نوسازی بافت های فرسوده طی سال های اخیر نشان می دهد نه تنها تکالیف قانونی و سیاست های تعیین شده در قوانین نوسازی بافت های فرسوده از جمله برنامه ششم توسعه در این زمینه محقق نشده، بلکه تاکیدها و ضرورت های موكد از سوی مقامات عالی دولتی در این بخش نیز به عملکرد موثر و موفقیت آمیز منجر نشده است. در واقع در حوزه نوسازی بافت های فرسوده و ناکارآمد شهری نه تنها اهداف و برنامه های قانونی تعیین شده بلکه تاکید دولت در این حوزه نیز به شکل کامل و موفقیت آمیز عملیاتی نشده است.

آمارهای مربوط به حجم ساخت و ساز مسکن در کشور نشان می دهد در فاصله سال های ۹۳ تا ۹۵، مجموعاً ۹۰۰ هزار واحد مسکونی در کل کشور احداث شده که از این تعداد ۱۶۶ هزار واحد مسکونی ساخته شده واقع در بافت های فرسوده بوده است؛ این میزان معادل ۱۸ درصد از کل ساخت و سازهای کشوری محسوب می شود.

بافت های فرسوده عمدتاً محله های کنگی و به شدت نیازمند تخریب و نوسازی به منظور حفظ ایمنی و جان ساکنان واحدهای مسکونی قدیمی آنهاست. عمده این محلات با مشکلات بسیاری از جمله عدم تامین سرانه های مطلوب زندگی شهری مواجهند و سطح ایمنی و تاب آوری آنها در برابر حوادث غیرمترقبه تقریباً نزدیک به صفر است.

هم اکنون ۵۴۳ شهر از مجموع حدود ۱۳۰۰ شهر ایران دارای بافت فرسوده است که ۲۷۰۰ محله فرسوده و نیازمند تخریب و نوسازی در این شهرها قرار دارند. این محله ها کاملاً قدیمی هستند و فرایند تخریب و نوسازی آنها به منظور حفظ جان و ایمنی شهروندان و ساکنان آنها ضروری است.



گفت و گو

رئیس اداره ورزش فیروز کوه در گفت و گو با «دنیای هوادار»:

استعدادهای انسانی و زیرساخت‌های بالقوه فیروز کوه را منحصراً به فرد کرده

سیدرضا فیض آبادی
نویسنده و روزنامه نگار

در پای چشمه های فیروز کوه دلشان غش و ضعف می رود.

طبیعتاً مردمانی که در این منطقه استراتژیک زندگی می کنند استعدادهای بالقوه خدادادی در همه زمینه ها از جمله ورزش دارند. فوتبالیست ها و والیبالیست ها و رزمی کاران و دوندگان این بخش از کشورمان با اندکی توجه و سرمایه گذاری تامین کننده تیم های ملی رشته های مختلف خواهند بود اما چه کنیم که نظام غلط اداری و فرهنگی ما این همه نعمت و استعداد را نمی بیند و برای اردو در هوای گرم باشگاه ها و تیم های ملی با صرف میلیون ها هزینه سفر به آسیای میانه می کنند و در هوای سرد به دویب تمایل دارند دیوانه کننده است و این شعر را باید با طلا نوشت: تو چون خود کنی اختر خویش را بد / مدار از فلک چرخ نیلو فری را.

«ابولفضل علیپور» که حدود ۵ ماهی است ریاست اداره ورزش این شهرستان را برعهده گرفته می گوید: «فیروز کوه با بیش از ۶۰ روستا در بین شهرهای استان تهران رتبه اول را دارد و از این رو توجه ما به ورزش در روستاها جزو اولویت هاست.»

از طرفی در حالی که همه مسولان از کمبود فضای ورزشی می نالند علیپور با بیان اینکه سرانه فضای ورزشی فیروزکوه ۹۵ سانتی متر است ادامه می دهد: «من از ۵ ماه مسئولیتم نزدیک به سه ماهش را درگیر بحث کرونا بودم اما کرونا باعث تعطیلی و برنامه ریزی ما نشد چرا که ساختمان اداره و برخی از ورزشگاه‌ها نیاز به بازسازی داشت و با رعایت اصول بهداشتی به ترمیم بخش هایی از آن پرداختیم و با کمک ها و مساعدت های جناب گل محمدی مدیرکل ورزشی استان تهران و معاونین وی مثل آقای شاملو هدف بزرگ ما آماده سازی ورزشگاه کالغور است که فاز اولش دارای یک زمین چمن استاندارد مصنوعی و در تلاش برای نصب سکوی تماشاگر و رختکن و نورافکن برای آن هستیم. در حالیکه به حکم وظیفه با ستاد مقابله با کرونا همکاری داریم منتظر دستور آغاز رسمی فعالیت ها هستیم تا با افتتاح این ورزشگاه گام بزرگی جهت برگزاری مسابقات

لیگ استانی و کشور برداشته باشیم.» علیپور که تجربیات فراوانی از مدیریت های ورزشی دارد و اصالتاً اهل شهرستان نور است از قهرمانان کشتی استان می باشد چه اینکه مازنی باشی و در یک رشته ورزشی آن هم کشتی قهرمان نباشی جای سوال دارد! و با اشاره به تجربیاتش می گوید: «ما در اغلب رشته ها در مسابقات استانی حضوری فعال داریم اما به واسطه فاصله نسبتاً زیاد بین شهرهای استان تهران در اعزام و رفت و آمد تیم ها خیلی با دشواری مواجهیم؛ چرا که برای یک مسابقه در غرب استان تهران باید با اجاره یک ون یا اتوبوس یک روز تمام درگیر باشیم و و این هزینه ها تقریباً نیمی از بودجه ها را می بلعد اما با تعامل با نهادهای و مساعدت اداره کل از پس این مورد هم بر می آیم.»

علیپور توجه به پیشکسوتان و صاحب نظران را از ارکان موفقیت در مدیریت ورزش دانست و گفت: «استفاده از تجربه و دانش بزرگان برای ما اهمیت بالایی دارد و سعی کرده ام سروسامانی به این امر مهم بدهم و قطعاً از وجود این بزرگواران بهره خواهیم گرفت.»

وی به استعدادهای بانوان فیروز کوه اشاره کرد و گفت: «در رشته هایی مثل والیبال و فوتسال و رزمی، عناوین کشوری هم داریم و تلاش می کنیم با کمک و توجه فدراسیون ها و هیات ها استعدادهای درخشان را به رده های ملی هدایت کنیم.»

علیپور: گل محمدی را یک مدیر کاربلد و از جنس ورزش دانست و گفت: «به شهادت همه کارشناسان از زمانی که آقای گل محمدی به استان آمده اند ورزش تهران دچار دگرگونی شده و در زمینه زیرساخت ها خیلی خوب کار شده و در بحث قهرمانی هم پس از سال ها رکورد شاهد قدرت‌نمایی ورزش تهران در کشور هستیم که نمونه اش را در المپیاد سال گذشته دیدیم که به با فاصله زیادی در صدر استان‌ها قرار گرفت. امیدوارم ورزش استان تهران با وجود این مدیران کارآمد همچنان رو به جلو باشد چرا که همه استان ها خود را با تهران مقایسه می کنند و این باعث پیشرفت ورزش کشور می شود.»

ما در اغلب رشته ها در مسابقات استانی حضوری فعال داریم اما به واسطه فاصله نسبتاً زیاد بین شهرهای استان تهران در اعزام و رفت و آمد تیم ها خیلی با دشواری مواجهیم؛ چرا که برای یک مسابقه در غرب استان تهران باید با اجاره یک ون یا اتوبوس یک روز تمام درگیر باشیم و و این هزینه ها تقریباً نیمی از بودجه ها را می بلعد اما با تعامل با نهادهای و مساعدت اداره کل از پس این مورد هم بر می آیم.

بانوان

خادم الشریعه برای حضور در تیم ملی شطرنج اعلام آمادگی کرد

داشت.

خادم الشریعه در اردوی جدید تیم ملی نیز حضور دارد و در کنار دیگر ملی‌پوشان زیر نظر امیررضا پورمضانعلی تمرینات را به طور برخط انجام می‌دهند.

پرچم پرافتخار کشورمان در میادین بین المللی خواهد داشت. خادم الشریعه در مسابقات برخطی که فدراسیون جهانی بین ۱۰ بانوی برتر جهان برگزار می‌کند، حضور خواهد داشت.

با فرهاد نیکوخصال (سرپرست)، نایب رئیس و دبیر فدراسیون شطرنج نیز گفت‌وگو کرد. در این ملاقات خادم الشریعه اعلام کرد که همچون گذشته در خدمت تیم ملی بوده و سعی در برافراشتن

بانوی شطرنج‌باز کشورمان برای حضور در تیم ملی شطرنج اعلام آمادگی کرد. سارا سادات خادم الشریعه، زن شطرنج‌باز کشورمان روز گذشته در محل فدراسیون حاضر شد و ضمن دیدار

دیدگاه

جامعه مالباخته فوتبال!

شهرام وزیری
نویسنده و روزنامه نگار

می شود در صورت رویت روی ماه شان ضمن اطلاع رسانی از مکان آن ها جهت دریافت مؤذگانی به جامعه مالباخته فوتبال مراجعه نمایند.

مشخصات مفقودشدگان:

بلند، کوتوله، چاق، لاغر، کچل، مچل، تپل، میل، کچ، معوج، راست، کاذب، کاسپ و... به هر شکل و قیافه ای موجود است!

زیاد جای دوری نروید... تیمداران محترم همچنان هستند و نیستند... آقایان هستند اما تو گویی نیستند... درد این فوتبال در همین هستند و نیستند... چون تو جسم بدیع و روح شجیع مبارک شان را در پس و پیش مسندهای قدرتمدار ببینی که همه

تعداد قابل توجه ای آدم های به ظاهر ملیس به فوتبال در واقع «تیمدار نما» طی سالیان سال با بر و بیاهای مکرر و رفت و برگشت های مستدام با کلی بدهی در محله فوتبال مفقود شده اند! از یابندگان محترم تقاضا

بخواهد (بگو چه کسی؟! ناغافل یقه نامبارک شان را بگیرد؟! نیستند. زمانی که مقرر است خبط و خطای مدیریت شان رو شود و کله پایشان کنند...

نیستند. وقتی که قرار است بیلان و ترازهای سوداگری های پر لفت و لیسشان بر ملا می شود...

نیستند. دست دیار البشری به دامن شان نمی رسد موقعی که به عنوان یک تیمدار تعهد دارند تا تدارکات تیم و زمین تمرین و توپ و لباس آماده و حق و حقوق مربیان و کادر فنی و بازیکنان را پرداخت کنند... چشم تان بی بلا... فساد در این فوتبال چون کرونا در چرخش است. جناب مستطاب فساد با فاسد می آید و با فاسد می رود؛ تو اگر به نمایش دیدی دفع و دافعه ای را چندان باورش نکن!

شق ورق و شیک و پیک با نگاهی دوست داشتنی چشم در چشم این فوتبال دوخته اند هستند. چرا که تو باید آن ها را هر روزه به جاه طلبی ها و قدرت نمایی ها ببینی...

هستند. چون که از بام تا شام باید خروار خروار تکبر و تبختر بار این فوتبال کمر شکسته کنند...

هستند. چرا که در هنگام عقد همیشه موقت قراردادهای میلیاردری امثال شان به پهنای رسانه ها می طلبد تو چشم و چال هواداران برود هستند و هستند و کم نیستند. تا در زد و بندها و بند و بست های مکرر نکند یک وقت بند سهم خواهی شان شل بسته شود! چنین است که تیمداران معزز هم هستند و هم نیستند. آن جایی نیستند که نکند ارواح نامحسوس و ناملموس شان علنی شود و کسی

اختصاصی

هفت سال پس از بازنشستگی «سرآلکس فرگوسن»؛

مرثیه ای برای زمان

وقتی از رئیس آموختیم «فقط پیروزی را بپذیریم»



رضا رستگار
نویسنده

مسئله «زمان» و بازنشستگی ورزشکاران

اما برای عده ای دیگر مانند «کریستیانو رونالدو»، «رونالدینیو»، «جرج بست»، «ژاوی هرناندز» و حتی «دیوید بکهام»، کیلومتر ها دور از تیم محبوب، در انزوا و شاید بی هیایوی در خور آن ها شکل می گیرد. بعضی فوتبالیست ها بار دیگر از جای خود بلند می شوند و فصل جدید زندگی خود را در مربیگری رقم می زنند و این بار زمان به سراغشان می رود تا بار دیگر بازنشستشان کنند. در این شرایط هم مربی ها در همان شرایط خداحافظی می کنند، عده ای در اوج و عده ای که از سال های اوج فاصله دارند به احترام موی سفیدشان توسط هواداران بدرقه می شوند و خداحافظی می کنند.

هیچوقت به خاطر جنایت هایش دادگاهی نمی شود! بزرگترین قاتل سریالی تاریخ، به سراغ همه می رود و کم کم آن ها را برای مرگ آماده می کند. اگر بخواهیم این مفهوم را درباره فوتبالیست ها به کار ببریم، شروع این قتل عام با کند شدن، ضعیف شدن بدن، افت قیمت در بازار و از سطح اول فوتبال دور شدن خواهد بود که نتیجه آن مقوله «بازنشستگی» است. این مقوله برای عده ای مانند «زین الدین زیدان»، «رایان گیگز»، «پل اسکولز»، «پائولو مالدینی» و «فرانچسکو توتی» و... در مقابل چشمان هواداران تیم محبوب، پُر هیاهو و احساسی است.

در فیلم «میان ستاره ای» اثر «کریستوفر نولان»، دکتر «برند» معتقد بود که «زمان» از نظر فیزیکی می تواند تندتر یا کندتر شود و حتی کیش بیاید، ولی به عقب بر نمی گردد که البته شاید برای موجوداتی که ما را به این سفر راهنمایی کرده اند، مسئله زمان حل شده باشد. شاید گذشته برایشان مثل دره ای باشد که از آن پایین می روند و آینده مانند کوهی که بتوان از آن بالا رفت! هر وقت به مفهوم زمان و این بُعد فکر می کنم بی رحمی بیش از حد آن آرام می دهد. بُعدی که با پنبه سر می نهد، تدریجی و آرام آرام ما را نابود می کند و هیچکس هم از آن شکایتی ندارد، علیه اش اعلام جرم نمی کند و

سرمربی هایی بود که در اوج، در بالاترین سطح ممکن فوتبال، در بالاترین نقطه جدول و بر قله افتخارات و به باشکوه ترین شکل ممکن در ورزشگاه یکدست سرخ «اولدترافورد»، میکروفون را به دست گرفت، دقایقی صحبت کرد و پس از تعظیم به سمت هواداران و در میان چشمان اشک بار همه عاشقانش از فوتبال خداحافظی کرد.

به پاس زحمات این مرد بزرگ مجسمه او در مقابل یکی از درب های اولدترافورد نصب شد. یکی خیابان های منتهی به ورزشگاه به نام او شد و «جاده سر آلکس فرگوسن» نام گرفت. بزرگترین جایگاه ورزشگاه اولدترافورد که جمله «تئاتر رویاها» بالای آن نوشته شده بود، به «جایگاه سر آلکس فرگوسن» تغییر نام داد و در رو به روی «جایگاه سر بابی چارلتون» قرار گرفت.

تاریخ منچستریونایتد به پیش و پس از این ۲۷ سال حضور سرآلکس تقسیم شده و دنیای فوتبال مدیون این وفاداری و میراث او خواهد بود. اکنون سرآلکس اگر در شرایط جسمانی خوبی باشد حتی یک بازی از منچستریونایتد محبوبش را هم از دست نمی دهد و این روزها، چشم انتظار درخشش تعویض همیشه طلایی خود، «اوله گونار سولشایر» است تا بار دیگر یونایتد خود را بر قله های افتخار ببیند.

پس از نخستین قهرمانی، جام های یکی پس از دیگری با گروهی به نام «جوجه های فرگی» که همان بازیکنان کشف شده توسط خود او در آکادمی بودند، به رهبری فرگی درو شد. اختلاف با لیورپول، کمتر و کمتر می شد. در این میان رکورد های خاص هم کم نداشت. یکی از مهم ترین آن ها، تبدیل شدن به اولین و تنها تیم انگلیسی صاحب «سه گانه» که در سال ۹۹ به دراماتیک ترین شکل ممکن رقم خورد.

را به زیر کشید و به تنهایی منچستریونایتد را با بیست عنوان قهرمانی در صدر جدول بیشترین قهرمانی ادوار لیگ قرار داد. بعد زمان کم کم به فرگوسن هشدار داد که برای ادامه زندگی باید بار دیگر بازنشسته شود. این بار از مربیگری. برای اینکه دیگر استرس برایش سم بود و ممکن بود در کنار زمین اتفاق ناگواری رخ دهد؛ تا دیگر هیچ کارگردانی نتواند لرزش دستان سرآلکس را به تصویر بکشد و قلب هوادارانش و عشاق فوتبال را به درد آورد. پس سرآلکس چند روز قبل از بیستمین قهرمانی یونایتد و به عبارتی سیزدهمین قهرمانی خودش در لیگ برتر، دقیقاً هفت سال پیش در چنین روزی، در سال ۲۰۱۳ که ترکیب دو عدد ۲۰ و ۱۳ بود، بازنشستگی خود را از دنیای مربیگری اعلام کرد. جهان در شوک عجیبی فرو رفت، اخبار، این بار درباره گروگان گیری، جنگ، سیاست، کشتار و کشمکش های همیشگی نبود. این بار همه از خداحافظی فرگوسن می گفتند!

سر آلکس از آن دسته

مشهورترین آن ها درگیری فیزیکی با دیوید بکهام، ستاره محبوب آن دوران بود که منجر به اخراج همیشگی بکهام از منچستریونایتد شد. در کتاب «اتوبیوگرافی من» نوشته خودش، در فصلی که مربوط به عصیان بازیکنانی همچون «روی کین»، «فان نیستلروی» و «بکهام» هست، نوشته: «وقتی یک بازیکن بکوشد باشگاه را بگرداند، کار همه مان ساخته است.» وقتی وضعیت دوران بعد از فرگی و عصیان بازیکنانی همچون «پل پوگبا» را می بینیم متوجه می شویم که بی دلیل نبود که سر آلکس به هیچ بازیکنی حتی اجازه اظهار نظر نمی داد. به عنوان مثال یک بار «وین رونی» با نگرانی و عصبانیت در سال ۲۰۰۹ پس از جدایی رونالدو و توز از فرگوسن پرسیده بود: «حالا که کریس و کارلوس از تیم رفته اند ما باید چه کار کنیم و چه کسانی را جایگزین کنیم؟» و پاسخ فرگی چند کلمه بیشتر نبود: «این مسائل به تو ربطی ندارد!»

این رفتارهای سر آلکس و کاریزمای خاص و البته مهارت بسیار بالا در نقل و انتقالات و کشف استعدادها و بازی خوانی و ارائه تاکتیک به تیم در دهه اول هزاره سوم، باعث تداوم موفقیت های یونایتد شد و سرانجام در فصل ۲۰۰۸/۰۹، یونایتد در تعداد عنوان قهرمانی در لیگ انگلستان با همان به قول فرگی «لیورپول لعنتی» به برابری رسید (۱۸ قهرمانی) و سپس دو سال بعد این تیم

بزرگترین سرمربی بریتانیایی تاریخ فوتبال اما در شرایط خاصی تسلیم زمان شد. وقتی از فوتبال خداحافظی کرد خیلی زود به صف مربیان پیوست و با درخشش در آبردین و قهرمانی این تیم در لیگ اسکاتلند و در جام برندگان جام اروپا، با شکست رفال مادرید و قهرمانی، با آبردین خداحافظی کرد و آماده پرواز شد. پرواز بر روی نیمکت منچستریونایتد و نشستن بر تخت سلطنت هموطن خویش «سر مت بازنی»، که حدود ۱۵ سال جانشین درخوری بر جایگاه وی تکیه زده بود. فرگوسن تیمی را از «ران آکتیونسون» تحویل گرفت که در صورت برعکس شدن جدول، رتبه دوم را داشت! همانطور که در آبردین قول قهرمانی داد و کمی به سخره گرفته شد اما پس از سال ها به سلطه سلطیک و رنجرز، دو غول فوتبال اسکاتلند پایان داد، در یونایتد هم بر روی قهرمانی در لیگ انگلستان و به گفته خودش به زیر کشیدن «لیورپول لعنتی»، هدف گذاری کرد.

فاصله بسیار بود و مدیران وقت کم طاقت، اما با این حال، پیشرفت در بازی های یونایتد و آینده نگری فرگی به وضوح دیده می شد و پس از شش سال، بالاخره چراغ اول روشن شد و اولین قهرمانی فرگی در یونایتد و هشتمین قهرمانی منچستریونایتد، فاصله تعداد قهرمانی های آن ها در لیگ برتر با «لیورپول» را به عدد ۱۰ رساند. پس از نخستین قهرمانی، جام ها یکی پس از دیگری با گروهی به نام «جوجه های فرگی» که همان بازیکنان کشف شده توسط خود او در آکادمی بودند، به رهبری فرگی درو شد. اختلاف با لیورپول، کمتر و کمتر می شد، در این میان، رکورد های خاص هم کم نداشت. یکی از مهم ترین آن ها، تبدیل شدن به اولین و تنها تیم انگلیسی صاحب «سه گانه» که در سال ۹۹ به دراماتیک ترین شکل ممکن رقم خورد.

«استیو مک لرن» در این باره گفت: «در دقایق پایانی با نتیجه ۱-۰ عقب بودیم و به فرگی گفتیم به نظر بازی به وقت اضافه می رود، بهتر نیست تعویض هایمان را انجام ندهیم و بیش از این ریسک نکنیم؟»

در پاسخ این پرسش فرگوسن گفت: «استیو بنشین، بازی را در وقت های قانونی می بریم که مک لرن، سرمربی آینده تیم ملی انگلستان را به تعجب وا داشته بود.» هدف گذاری و بینش فرگی اکثر سخنرانان انگیزشی در باب مدیریت و رهبری را متعجب کرده و پس از چاپ کتاب «رهبری» نوشته سر آلکس فرگوسن، کمتر سمینار یا دوره موفقیت و رهبری را می بینیم که از گفته های این مرد بزرگ استفاده نشود. البته این رهبر تحسین برانگیز، رفتارهای تند و مدیریتی هم کم نداشته.

یک بار «وین رونی» با نگرانی و عصبانیت در سال ۲۰۰۹ پس از جدایی رونالدو و توز از فرگوسن پرسیده بود: «حالا که کریس و کارلوس از تیم رفته اند ما باید چه کار کنیم و چه کسانی را جایگزین کنیم؟» و پاسخ فرگی چند کلمه بیشتر نبود: «این مسائل به تو ربطی ندارد!»

